

# گزارشی از نوروز و جشن‌های دیگر

دکتر جهانگیر اشیدری

آیا جشن‌های ایران باستان اسطوره‌ایست یا سنتی یا ملی یا مذهبی یا تاریخی؟ یا...؟ و غیره.

بررسی و تحلیل این موضوع امری پیچیده و دشوار است زیرا هرچه که به عقب بر می‌گردیم بیشتر پی می‌بریم که انگیزه برگزاری جشن‌ها پیچیده‌تر می‌شود. چنانچه می‌دانید ایرانیان باستان آریائی‌ها برای روزهای ماه‌نامی را به نام ایزد (یکی از صفات خداوند) و هر یک از ۱۲ ماه را نیز نامی انتخاب کرده بودند و به مناسبت برابری نام روز و ماه، آن روز را به همان نام جشن می‌گرفتند که این یکی از انگیزه‌های برگزاری برخی از جشن‌هاست - اما جشن‌های دیگری هم بوده است که مفاد بالا را شامل نمی‌گردد. مانند نوروز که در آن برابری روز و ماه مطرح نیست. پیش از آن که گفتار را درباره نوروز و چگونگی آن دنبال نمائیم سراغ مقدمه گفتار شماره اول چیستا درباره تیرگان، به‌خامه توانای دانشمند ارجمند آقای دکتر پرویز رجبی رفته و نکته‌هایی از آن رانقل می‌نماید:

«منابع کار و دشواری پژوهش - پرداختن به تیرگان و شناساندن درست آن از پیدایش، کاری شدنی نیست و اگر دست به این کار می‌زنیم، به امید پیوستن به میان راه است و پیمایش نیمی از راه! زیرا آغاز این جشن هم، مانند دیگر جشن‌های ایران باستان و جشن‌های باستانی دیگر مردم روی زمین، در تاریکی تاریخ نهفته است! و دست کم با دانشی که امروز داریم، می‌دانیم، که روشن ساختن تاریکی‌های تاریخ در این زمینه نشدنی است. ... و... و...»

اما ایشان با شکسته نفسی که در آغاز نموده‌اند تا به حال به طوری که صفحات چیستا گواهی می‌دهند مقالاتی مستند با ذکر مأخذ درباره جشن‌های ایران باستان مرقوم فرموده‌اند که برای علاقه‌مندان و پژوهشگران حائز کمال اهمیت است - مسلماً درباره نوروز هم در این شماره چه ایشان و چه سایر نویسندگان مطالبی خواهند داشت که حتماً روشنگر پاره‌ای از آن چه که درباره نوروز لازمست خواهد بود.

**اما درباره جشن نوروز - سرآغاز این جشن در روز اول از ماه فروردین (روز اورمزد) می‌باشد یعنی مانند سایر جشن‌ها برابری نام ماه و روز را همراه ندارد ولی چون روز اورمزد یعنی روز خدا آغاز آن است بنابراین به نظر می‌رسد که بر سایر جشن‌ها افضلیت**

بوده و برتری دارد.

اگر جشن‌هایی به مناسبت واقعه تاریخی یا طبیعی و نجومی یا ملی و سنتی و یا انگیزه‌های گوناگون دیگری برپا می‌گردد، نوروز از خصوصیات بی‌شماری برخوردار و شایان اهمیت می‌باشد که پاره‌ای از آن‌ها را بر می‌شمارد.

آنچه که این جشن را از سایر جشن‌های باستانی متمایز می‌گرداند، مربوط به يك سری سنت‌ها و تشریفات است که در روزهای قبل و بعد از نوروز انجام می‌گردد و تا دهه سوم فروردین جریان دارد که به اختصار بازگو می‌نماید. چنانچه می‌دانید یکی از جشن‌هایی که پنجاه روز به نوروز برگزاری شده و هنوز هم می‌شود جشن سده است. وقتی که انگیزه برگزاری آن را مورد دقت قرار دهیم بیشتر جنبه ملی و یا اسطوره‌ای دارد تا مذهبی (به قول یکی از علاقه‌مندان شاید به مناسبت پیروزی نیروهای ایرانی بردشمن بوده که آن را با آتش‌افروزی که تنها وسیله جشن و شادی قدیم بود جشن می‌گرفتند که فعلاً با آن کاری ندارد.) در فاصله بین سده تا نوروز به‌مراحل دیگری برمی‌خوریم که یکی در روز اورمزد از اسفندماه برگزار می‌شده و هنوز هم می‌شود که به‌یاد درگذشتگان است و برخی سنت‌های دیگر مانند چهارشنبه سوری که هیچ ارتباطی با دین و مذهب ندارد بلکه يك سنت ملی است.

بالاخره مراسم پنج روز آخر سال به نام پنجه‌وه می‌باشد که این پنج روز به‌آخرین چهره (فصل) گهنبار آخرین است و ایرانیان باستان را عقیده بر آن بود که روان درگذشتگان از سرای دیگر برای بازدید بازماندگان به اصطلاح به سرکشی می‌آیند و اگر آن‌ها را پاك و پاکیزه و خوشحال ببینند آنان (روانان) نیز شاد شده باخشنودی به‌سرای ابدی برمی‌گردند و بالعکس اگر بازماندگان را پریشان ببینند آنان نیز ناخرسند گردیده و با اندوه و ناراحتی به‌جایگاه خود برمی‌گردند و از همین‌روست که زرتشتیان قبل از سال نو خانه و کاشانه را آب و جارو و به اصطلاح خانه‌تکانی نموده و آن را پاك و پاکیزه کرده و عود و کندر و اسپند و چیزهای خوش‌بو بر آتش می‌نهند و شمع و چراغ روشن می‌نمایند تا روان‌ها شاد و با خرسندی و رضایت بازماندگان را دعا نمایند. این جاست که این مراسم جنبه‌دینی پیدا می‌نماید. بنابراین آنچه که تا این‌جا بیان شد مقدمه‌ای برای سال نو و پیش درآمدی برای نوروز بود.

**نوروز از نظر نجومی** - چنانچه روشن است در سال در دو فصل و نوبت، روز و شب با هم برابرند یکی اول بهار و دیگری اول پائیز که اولی را اعتدال ربیعی و دومی را اعتدال خریفی نامند و در نجوم گویند در این موقع آفتاب به برج حمل (بره) داخل می‌شود.

**نوروز از نظر طبیعی** - پرواضح است بهار پس از زمستان و فصل سرما آغاز

می‌گردد و درختان از خواب زمستانی بیدار شده و به گل و شکوفه می‌نشینند و سبزه‌ها سرازخاک برمی‌آورند و خیلی چیزها من جمله بتدریج یخ و برف‌ها آب شده و از کوهسار سرازیر شده و آبشارها با صدای شرشر آب گوش را نوازش داده و مناظر زیبا را به وجود می‌آورند که واقعا گویی طبیعت نیز جشن گرفته است و اگر گفته شود انسان نیز با جشن طبیعت هم‌آهنگی دارد. حتی پرندگان و پروانه‌ها و سایر موجودات که همه دلیل بر جشن طبیعت است - که شعرا و ادبا و نویسندگان دربارهٔ بهار و جشن نوروز چکامه‌ها دارند که از ذکر آن خودداری می‌شود.

**اما نوروز از نظر سرآغاز - همچنان که به نقل از دکتر رجبی گفته شد تاریخ آغاز برخی مراسم تاریک است که خود پاسخ به این خواسته است اما تا جایی که نوشته‌های باقی‌مانده از پیشینیان گواهی می‌دهند آن‌را به جمشید جم یا پیشدادی نسبت می‌دهند.** نوروز یکی از بزرگ‌ترین جشن‌های ایرانیان از روزگار کهن تا به امروز است و هم‌چنین به قول آقای رضی، نمایان‌ترین جشن‌های بهاری جهان به شمار می‌رود - در روایات تاریخی آمده که جمشید پس از برقرار ساختن نظام زندگی و عدل و داد، سرسال نو، روز هرمز از فروردین به تخت نشست و مردم شادی کردند و آن روز را «روز نو» خواندند و این خاطره از وی یادگار ماند.

در سابق که پنج روز کبیسه را نگه نمی‌داشتند نوروز هم در گردش بود یعنی مانند سال‌های قمری در فصول مختلف بود که بعدها آن‌را با برقراری کبیسه به همان اول بهار تثبیت نمودند. زیرا این گردش از نظر وصول مالیات و برداشت و کشت، مردم و دستگاه حکومتی را دچار اشکال می‌ساخت.

از لحاظ شمول سنت‌ها و اعتقادات و بزرگداشت، هیچ جشنی چه دینی و چه ملی بدین پایه و مایه در تاریخ ما وجود ندارد.

**نوروز بزرگ و کوچک -** اغلب روایات حاکی است که بزرگان و فرمانروایان در پنج روز نخست از فروردین به پرداختن و رسیدگی و دیدار و بارعام طبقات گوناگون مردم سرگرم بودند و ششم فروردین را خلوت می‌کردند و به خود و خاصان و ویژگی می‌دادند.

از نظر هم‌زمان بودن روز ششم فروردین با زادروز اشوزرتشت آن را نوروز بزرگ می‌گفتند. و این روز از احترام و تقدیمی ویژه برخوردار بوده است که هنوز میان زرتشتیان اثرات خاص آن به‌جامانده است و این جاست که جشن جنبه مذهبی هم پیدا می‌نماید یعنی بعدها پیدا کرده است، زیرا در اوستا به روشنی از نوروز یاد شده است حتی در دوران هخامنشیان و اشکانیان نیز سند مکتوبی دربارهٔ این جشن در دست نیست و از دوران ساسانیان است که یاد این جشن بزرگ را می‌یابیم.

در متون بعد از اسلام نیز زیاد به ذکر نوروز برمی‌خوریم مانند نوروز معتمدی، نوروز عضدی، نوروز جلالی و نوروز خوارزمشاهی. همه این‌ها بیانگر آن است که نوروز از دو وجه، یکی جشن و شادی و سنت‌ها و دیگری حساب و شمار روز و ماه و سال، در دوران اسلامی چه اهمیت بسزائی داشته که گاه دستگاه‌های خلافت، خود از ایرانیان در زنده نگاهداشتن آن پیشی می‌گرفتند.

**مراسم و سنت‌های نوروزی** - در نوروز مراسمی فراوان با آئین‌ها و شعائری انجام می‌شد که در نهایت، وابستگی اعتقادی مردم را به طبیعت و احترام عناصر و طلب خیر و برکت بیان می‌کرد. هفت‌سین و سبزه از اهم این رازهاست از مراسم نوروز، می‌توان هفت سین، خطبه‌خوانی به‌وسیله پیشوایان، بارعام، دادخواهی اهدای هدایا و نوعی تأدیة مالیاتی و ترتیب باریابی طبقات گوناگون را نام برد.

موضوع آبریزگان یا شست و شو و غسل و پاکیزگی از لحاظ سنن دینی جهت فرا- رسیدن سال نو از اهمیت ویژه برخوردار بوده است، که نیاز به گفتار جداگانه دارد.

هر یک از مواد و عناصری که در هفت سین و سفره نوروزی چیده می‌شده دارای راز و رمزی بوده که از این سنت دیرپا و سابقه تاریخی و شکل اصلی آن گفتگومی‌نماید. این که چرا نوروز با آن که در اوستا ذکری از آن به‌میان نیامده جنبه مذهبی هم به‌خود می‌گیرد از این جهت است که

چون ماه فروردین ماه نزول فروهرهاست و پنج روز اول یا پنجه و پنج روز دوم یا پنجه بعدی تا آخر ماه شش پنجه در نظر گرفته می‌شده و آن را جشن فروهرها می‌دانستند که جنبه دینی به‌خود می‌گرفت که روز نوزدهم فروردین یعنی روز هم‌نامی ماه و روز را **فروردینگان** می‌گفتند و از این جهت است که هنوز هم این روز را یکی از روزهای یاد- بود روانان می‌دانند که در آرامگاه‌ها به‌یاد روان درگذشتگان مراسم و آداب ویژه‌ای را انجام می‌دهند.

### ذکر برخی روایات تاریخی درباره پیدایش نوروز

- به نقل از **سلمان فارسی** چنین روایت شده: «سلمان فارسی گوید ما در عهد زرتشتی بودن می‌گفتم خداوند برای زینت بندگان خود یاقوت را در نوروز و زبرجد را در مهرگان بیرون آورد و فضل این دو برابم دیگر، مانند برتری یاقوت و زبرجد است به جواهر دیگر.»

- **ملاحسن فیض** (۱۰۰۷-۱۰۹۱) روایت معلی بن فیس را درباره نوروز و سی‌روز ماه ایرانیان از امام جعفر صادق علیه‌السلام نقل کرده است:

«گفتم ای سیدمن، فدای تو شوم - آیا نمی‌آموزی به‌من نام روزها را به زبان فارسی؟- جواب فرمود که آن‌ها روزی چند قدیم از ماه‌های قدیمند که هر ماهی سی روز

می‌باشد و زیاد و کم ندارد، پس:

اول از هر ماه هر مؤمن نام دارد، این نامی است از نام‌های خدای تعالی. در این روز آدم علیه السلام آفریده شد. فارسیان می‌گویند این روز جهت آشامیدن مفرحات و خوشحالی کردن خوب است و ما می‌گوئیم روزی است مبارك و روز سرور و خرمی است.»

### يك عقیده و باور دیگر درباره نوروز

«ایرانیان بر آنند که فرخنده‌ترین ساعات سال در این روز است و آن ساعت آفتاب است که در بامداد نوروز فجر و سپیده به منتهای نزدیکی خود به زمین می‌رسد و مردم به نگرستن بدن به یمن و مبارکی می‌جویند و این روزی گرمی است، چون روز هر مزد است که نام خداوند بزرگ و آفریدگار جهان می‌باشد.»

### نوروز در روایات اسلامی

پس از ساسانیان نیز میان مسلمانان و کشورهای اسلامی نوروز واحکام و رسوم جشن‌ها و شعایرش بیش از پیش رواج یافت.

قدیم‌ترین یادی که از نوروز در دوران اسلامی شده، خبری است که به موجب آن در زمان خلافت عمر بن خطاب، هر زمان استاندار خوزستان که مسلمان شده بود، از شیرینی و دیگر اقلام خوان نوروزی، خوانچه‌ای جهت علی بن ابیطالب فرستاد. حضرت از آوردگان پرسید علت فرستادن این خوانچه کدام است. گفتند موجب فرارسیدن عید نوروز می‌باشد. حضرت گفتند: «کل یوم نیروز نا.» یعنی هر روز را برایمان نوروز سازید.

### يك انگیزه و علت مهم دیگر

علت مهم دیگری که جهت گسترش نوروز و درآمدن این عید در حیطه شعایر اسلامی یاد می‌شود، تقارن نوروز است با برگزیدن علی بن ابیطالب توسط پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) به جانشینی.

روز جانشینی علی بن ابیطالب در عید غدیر خم، در سال دهم هجری برابر با بیست و نهم حوت (اسفند) و روز چهارم از خمسۀ مستتره است.

هم‌چنین در خبرهائی دیگر آمده که جلوس علی بن ابیطالب به خلافت پس از عثمان بن عفان که در هیجدهم ذی‌حجه سال سی و پنج هجری روی داد، برابر با نوروز بوده است. روایات زیاد دیگری در مجموعه عظیم بحار الانوار مجلسی گردآوری شده حتی ظهور امام غایب مهدی موعود، مقارن با نوروز یاد شده است که برای جلوگیری از درازی سخن از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

### يك روایت درباره شکر و شیرینی و نیشکر

«ابوریحان از آذرباد موبد بغداد حکایت کرده که چون نیشکر در ایران چنین روزی توسط جمشید یافت شد، به همین جهت روز پیدایش نیشکر را نوروز نامیدند. پیش از این کسی از نیشکر و شکر آگاهی نداشت. روزی جمشید ملاحظه کرد که

آب اطراف چند نی که شکسته شیرین است. نی را شکست و از میان نوشید و چون شهد بسیاری چشید، دستورداد از عصاره آن گونه نی‌ها، شکر بسازند. به مدت پنج روز شکر حاصل شد و به همین جهت است که مردم در نوروز شکر پیش کش می‌کنند.»

### قدمت نوروز و مهرگان

برابر نوشته‌های نوروزنامه، نوروز را جم و مهرگان را آفریدون استوار کرد و نوروز دو هزار و پنجاه سال از مهرگان قدیم‌تر است - در بعضی نقل‌ها آمده که نوروز جشن آفرینش نخستین انسان و خلقت کیومرث است.

### عفو و بخشایش نوروزی - یکی از سنت‌ها و رسوم عمده نوروز آن بود که پادشاهان

بسیاری از کسانی را که مورد خشم و زندانی بودند مورد بخشایش قرار می‌دادند که این روال هنوز هم ادامه دارد و بر شاه بود که درخواست‌های کسان را بپذیرد و تقاضاهایشان را اجابت نماید.

### مراسم دیگر نوروزی - یکی پرورش سبزه حدود یک‌ماه پیش از نوروز بر ۱۲ ستون

و ملاحظه رشد انواع حبوبات که هر نوع بیشتر رشد کرده بود تغال می‌زدند که آن محصول در سال بیشتر خواهد شد - البته ۱۲ نوع حبوب به مناسبت ۱۲ برج‌هاست - و گاهی هم به عنوان هفت امشاسپند هفت نوع سبزه عمل می‌آوردند خطبه خوانی و سیله موبد موبدان و دادخواهی و گردآوری مالیات و هدایا نیز از رسوم دیگر نوروزی بود.

### هفت سین نوروزی - گفتیم که جشن‌های نوروزی با جشن‌فرورها یا فروردینگان

همراه است و سفره و خوانیکه برای درگذشتگان می‌گسترده در این جا با هم یکی پنداشته می‌شدند. البته هفت چیز که با اسم سین شروع می‌شد (گاهی هم هفت شین بوده، بر سفره می‌نهادند و در این سفره همه چیز کنایت‌آمیز و نشان‌واره است که موجد خیر و برکت گردد.

### خلاصه اگر بخواهد از همه روایات و آنچه را که درباره نوروز به نقل از پیشینیان

و پژوهندگان و نویسندگان به ما رسیده گفتگو نمائیم بایستی تمام صفحات چیستا را اشغال نمود که آن وقت می‌شود «نوروزنامه چیستا» مانند «نوروزنامه خیام». و امثال آن.

### خوش‌بختانه آقای هاشم رضی نویسنده و محقق پرکار، راه را برایمان هموار نمود

و تاجایی که امکان داشته چگونگی را در کتابی به نام گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان در ۴۶۲ صفحه گردآوری نموده‌اند که تنها بخش مربوط به نوروز آن از صفحه ۱۷۰ تا ۲۷۱ را در برمی‌گیرد یعنی حدود کمی کمتر از  $\frac{1}{4}$  کتاب را شامل می‌شود.

### این نویسنده گفتار را با بهره‌برداری و سپاس از نویسنده آن و هم‌چنین کتاب‌نوروز

نوشته مراد اورنگ تنظیم نمود. امید که کلیدی در دست علاقه‌مندان بوده تا بتوانند به خواسته‌های خود دسترسی پیدا نمایند.